

هماندسازی و تعدیل:

روایت احساس و عاطفه در خانه گرد اثر لوئیز اردریک

لادن مختارزاده^۱، زهرا جاننثاری^۲، نگار شریف^۳

چکیده

مقاله حاضر به بررسی رمان خانه گرد اثر لوئیز اردریک در پرتو "مفهوم تأثیر" می‌پردازد. پاتریک کوم هوگان با ارائه نظریه "مفهوم تأثیر" روایت تجربه عاطفه و احساس در سوژه‌ها را هدف مطالعه قرار می‌دهد. پژوهشگران این مقاله می‌کوشند تا مفاهیم عاطفه، روایت عاطفه، شرایط برانگیختن، همانندسازی، تعدیل و منطقی‌سازی عاطفه را در رمان اردریک ردیابی کنند. سعی بر آن است تا به این فرایند پرداخته شود که چگونه در روایت، احساسات و عواطف همانندسازی می‌شوند و در پی آن تعدیل و منطقی‌سازی احساسات و عواطف رخ می‌دهد. چنین فرایندی، به‌ویژه، بر پیشبرد روایت اثر و رفتار سوژه‌ها تأثیر می‌گذارد. این پژوهش به طور خاص، نشان می‌دهد که رمان یادشده نمونه‌ای مناسب برای مطالعه روایت عاطفه و احساسات است زیرا بازتاب رنج زنان و خشونت علیه آن‌ها در جامعه سرخپوستان آجیوا، و در مقیاسی بزرگ‌تر، در کل جامعه است. رمان اردریک تلاشی است برای بیان تجربه‌های دردناک زنان که البته تبعات آن، مردان و کل جمعیت و تاریخ سرخپوستان را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین، این مطالعه به بررسی پارادایم‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی در زندگی و تاریخ بومیان آمریکا می‌پردازد که به دلیل عوامل اجتماعی و هستی‌شناختی ناشناخته مانده یا به ندرت به آن‌ها پرداخته شده است. در خانه گرد، صدا و روایت یک مرد انعکاس‌دهنده شرایط زنان آسیب‌دیده و زخم‌خورده‌ای است که به تسخیر حافظه عاطفی درآمده‌اند. چنین روایتی بناست آسیب‌های گذشته را بازتابد تا تغییرات بزرگی را برای زنان و همچنین کل ملت سرخپوست آمریکا به ارمغان آورد. هدف پژوهش حاضر این است که با خوانش تأثیر عاطفه و احساس بر اساس آراء هوگان، تلاش اردریک برای دستیابی به اصلاحات هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی را در جامعه بومیان آمریکا بازنمایاند.

واژگان کلیدی: مطالعه تأثیر؛ نظریه روایت احساس؛ شرایط برانگیختگی؛ همانندسازی؛ تعدیل؛ منطقی‌سازی.

دوره نوزدهم شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ایمیل: ladan.mokhtarzadeh@iau.ac.ir

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(نویسنده مسوول)، ایمیل: z.jannessari@fgn.ui.ac.ir

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل:

negarsharif@yahoo.com

۱- مقدمه

تاریخ نقد ادبی، علاقه به نقش عاطفه در متون ادبی را از زمان ارسطو بیان می‌کند. با این حال، از سال ۱۹۹۵، کتاب‌های بنیادین در حوزه نظریه عاطفه منتشر شده است. پاتریک کوم هوگان^۱ یکی از پیشگامان در زمینه مطالعات عاطفی و روایت عاطفه و احساس است. مطالعه حاضر به بررسی نمونه‌های احساسات، برانگیختن شرایط برای احساسات، نتایج بیانی و عملی، همانندسازی، تعدیل احساسات و دغدغه‌های بومیان آمریکا می‌پردازد که در انتخاب چارچوب‌های روایی خاص در خانه‌گرد (RH)^۲ اثر لوئیز اردریک ترسیم شده است. این رمان نمایانگر موج دوم آثار ادبی سرخپوستان آمریکاست، و تلاش می‌کند تا "پیچیدگی‌ها و احتمالات هویت‌های بومی را در اواخر قرن نوزدهم و بیستم بررسی کند" (Erdrich 11). از آنجا که این مفاهیم در مطالعه حاضر مورد بحث قرار می‌گیرند، چارچوب نظری برپایه آراء پاتریک کوم هوگان خواهد بود.

لوئیز اردریک (متولد ۱۹۵۴) نویسنده معاصر دورگه آلمانی-سرخپوستی است که نماینده‌ای شاخص برای سبک نوشتاری نویسندگان بومی آمریکا است. همان طور که کانی آ. جاکوبز^۳ می‌گوید: "اردریک ... با نزدیک شدن به موقعیت داستان‌سرایی در قالب نوشتاری نقش داستان‌نویس سنتی را بر عهده می‌گیرد" (۴۱). شهرت اردریک بابت چهارگانه‌اش - داروی عشق (۱۹۸۴)،^۴ ملکه چغندر (۱۹۸۶)،^۵ ردپاها (۱۹۸۸)^۶ و کاخ بینگو (۱۹۹۴)^۷ - و سه‌گانه‌اش - بلای کبوترها (۲۰۰۸)،^۸ خانه‌گرد (۲۰۱۲) و لارز (۲۰۱۶)^۹ - و همچنین دیگر رمان‌ها، شعرها و داستان‌های کوتاه اوست. اردریک هم جایزه ملی کتاب برای داستان و هم جایزه کتاب مینه‌سوتا^{۱۰} را در رده رمان برای دومین رمان از سه‌گانه‌اش، یعنی خانه‌گرد دریافت کرد. او در سال ۲۰۱۵ در جشنواره ملی کتاب، جایزه ادبیات داستانی آمریکایی کتابخانه کنگره را دریافت کرد. در سال ۲۰۲۱ رمان نگهبان

1. Patrick Colm Hogan
2. *The Round House (RH)*
3. Connie A. Jacobs
4. *Love Medicine* (1984)
5. *The Beet Queen* (1986)
6. *Tracks* (1988)
7. *The Bingo Palace* (1994)
8. *The Plague of Doves* (2008)
9. *LaRose* (2016)
10. National Book Award; Minnesota Book Award

شب^۱ آخرین جایزه که همان جایزه پولیتزر داستان است را برای اردریک به ارمغان آورد. او یکی از مهم‌ترین نویسندگان موج دوم رنسانس سرخپوستان آمریکا به شمار می‌رود. کنث لینکولن^۲ چهار نویسنده را به عنوان بنیانگذاران موج دوم رنسانس ادبیات سرخپوستان آمریکا نام می‌برد: ان. اسکات ممودی^۳، جیمز ولش^۴، لزلی مارمون سیلکو^۵ و لوئیز اردریک. اردریک با اولین رمان خود داروی عشق در این زمره قرار گرفت. اردریک و سه نویسنده دیگر روایت شفاهی را که برخاسته از سنت سرخپوستان است در داستان‌های خود به کار می‌گیرند (Jacobs, "One Story 144"). آنچه اردریک را از سایر نویسندگان این سبک متمایز می‌سازد این است که همه رمان‌هایش همانند داستانی بلندبالا با هم مرتبطند گویی داستانی بسیار طولانی را شکل می‌دهند، داستانی که بازتاب سرگذشت تاریخی، اجتماعی و سیاسی قوم آجیبواست که با همه فراز و نشیب‌ها ایستادگی کردند و ادامه دادند. سنت قصه سرایی شفاهی در دوره‌های خانوادگی در آثار اردریک نکته شاخص روایت‌های اوست. سرآغاز رمان‌های در هم تنیده او داروی عشق است که الگوی روایی متفاوتی نسبت به آثار دیگر نویسندگان هم‌رده خود دارد: قصه‌های مرتبط، زندگانی‌های مرتبط و مناظر و زمان و مکان‌های مرتبط. لینکولن در مقدمه کتاب رنسانس بومیان آمریکا مطرح می‌کند که در داروی عشق تمام داستان‌ها نهایتاً جمع می‌شوند، از اولین تا آخرین و تمام بخش‌ها و شخصیت‌ها در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند (xiii). آثار اردریک از اولین تا آخرین، بازتاب وقایع و تاریخ زندگی قوم آجیبوایی است که اردریک خود را نماینده آن می‌داند تا صدای مقاومت آنان در برابر انواع خشونت‌ها و فشارهایی باشد که در منطقه سرخپوستان از سرگذرانده‌اند.

آثار لوئیز اردریک به صراحت مفاهیمی را بیان می‌کند که در برگرفته دغدغه‌های بومیان آمریکایی معاصر، به ویژه قوم آجیبوا، با موضوعاتی چون تاریخ، سرزمین، عشق و نفرت، خشونت، بی‌عدالتی و بقاست. آن‌ها تأثیرات تجارب ویرانگری را نشان می‌دهند که خود سوژه، هویت او، خانواده و جامعه‌اش را تخریب می‌کند، تجربه‌های آسیب‌زای که بسیار گسترده است و پیامدهای آن با گذر زمان کم‌رنگ نشده است و

1. *The Night Watchman* (2020)
2. Kenneth Lincoln
3. N. Scott Momady
4. James Welch
5. Leslie Marmon Silko
6. *Native American Renaissance* (1983)

گریبان‌گیر آحاد جامعه می‌شود. راویان داستان‌های اردریک، از تکرروایتی گرفته تا چندروایتی، بازتاب گذشته‌اند که با تجربیات حال و تأثیرگذاری بر سوژه‌ها و نگرانی‌ها و وسواس‌های عاطفی بیان می‌شوند. سوژه‌ها برای زنده ماندن، یا تسلیم احساسات خود می‌شوند یا برای حفظ موقعیت و زنده کردن حقوق خود تلاش می‌کنند و یا احساسات خود را نادیده می‌گیرند و از تاریخ، سرزمین و جغرافیا و خود واقعی‌شان می‌گریزند. روح و عواطف آجیبوا در وجود نویسنده ریشه‌ای ژرف دارند و او را وامی‌دارند تا برای تغییر وضعیت و بهتر شدن جامعه‌اش، قلم به دست گیرد.

اردریک در خانه‌گرد، که هدف این پژوهش است، با روایتِ جو^۱ پیش می‌رود و تمرکز او بر آسیب جنسی، تجاوز و خشونت علیه زنان بومی آمریکا در منطقهٔ اختصاصی سرخپوستان در داکوتای شمالی است. در این راستا، عنوان رمان، که در بخش‌های آتی تبیین خواهد شد، استعاره‌ای از مصائب و بلاهایی است که قوم آجیبوا از آن رنج می‌برد. روایت عاطفه و احساس در وقایعی همانند تجاوز به مادر یک خانوادهٔ سرخپوست، همراه با شرح و بسط موازی خشونت علیه سه زن دیگر در جامعه، در مرکزیت رمان خانه‌گرد قرار دارد.

خانه‌گرد با غیبت طولانی جرالدين، مادرخانواده‌ای سرخپوست آغاز می‌شود. جرالدين دیر کرده است، شوهرش بازیل و پسرش جو برای پیدا کردن او با ماشین عمومی جو از خانه بیرون می‌زنند. پس از جست‌وجوی طولانی و نگرانی از ناکامی در یافتن او، ناگهان جرالدين را پشت فرمان ماشین می‌بینند که با سرعت و گویی متوجه آن‌ها نشده، به سوی خانه می‌راند. هنگامی که به او می‌رسند جرالدين را در حالی می‌یابند که شوکه است و به نقطه نامعلومی خیره شده و غرق در خون و استفراغ پشت فرمان ماشین متوقف شده نشسته و بوی نامطلوب گاز فضا را پر کرده است. پدر و پسر، جرالدين را با همان حالت آشفته از ماشین خارج می‌کنند و راهی بیمارستان می‌شوند. در طی ساعاتی که در بیمارستان هستند، جو از گفت‌وگوها به تدریج متوجه می‌شود که مادرش مورد حمله و تجاوز قرار گرفته است.

پیرنگ اصلی رمان در مورد حمله و تجاوز به جرالدين است. با این حال، داستان خشونت علیه سه زن دیگر – مایلا، سونیا و لیندا^۲ – نیز به موازات پیرنگ اصلی پیش

1. Joe

2. Mayla, Sonja, Linda

می‌رود. هرسه در محدوده سرخپوستان زنگی می‌کنند و از انواع خشونت‌ها در امان نیستند: مایلا زنی بومی است ولی سونیا و لیندا با اینکه سرخپوست نیستند، خانواده‌های بومی دارند. خانه گرد در سال ۲۰۱۲ منتشر شد ولی گویای رویدادهای سال ۱۹۸۸ است. جو که اکنون بزرگسال و وکیل است، راوی داستانی است که بازگو کننده وقایع تابستان ۱۹۸۸ است، رخدادهایی که اگر چه دردناک و آسیب‌زا بوده‌اند، باعث رشد سریع و بلوغ ذهنی و عاطفی جو، پسر سیزده‌ساله خانواده در زمان وقوع حادثه، شده است. روان‌زخم حاصل از این رخدادها ماهیتی متناقض دارد، به این معنا که بازیل، که خود یک قاضی در محدوده سرخپوست‌هاست، از گره‌گشایی این پرونده ناتوان است. جو و دیگران در می‌یابند که قاضی هیچ اختیاری برای پیگیری این پرونده ندارد، و متجاوز آزاد است در حالی که قاضی نمی‌تواند او را به قانون بسپارد. رمان یادشده اردریک در پرتو تکنیک‌های روایی هوگان به خوبی قابل تحلیل است، بنابراین نظریات هوگان در ادامه به اختصار توضیح داده می‌شود.

در چارچوب مطالعات روایی، هوگان در زمینه مطالعه تأثیر روایت عاطفه و احساس در آثار ادبی، منتقدی شاخص است. پاتریک کوم هوگان در کتاب روایت‌شناسی تأثیر: ساختار عاطفه‌ای داستان‌ها (۲۰۱۱)^۱ اصطلاح "روایت‌شناسی تأثیر"^۲ را برای نخستین بار به کار برد. با این حال، اصطلاح "عاطفه" همان طور که هوگان در کتاب دیگرش، ذهن و داستان‌های آن: کلیات روایی و احساسات انسانی (۲۰۰۳)^۳ استدلال می‌کند، جدید نیست. در این کتاب، او تاریخ ادبی و پیش‌زمینه عاطفه و احساس را مرور می‌کند. هوگان در کتاب ذهن و داستان‌هایش (۲۰۰۳) پیشینه تاریخی روایت و عاطفه را بررسی می‌کند، زیرا باور دارد که رابطه عمیقی بین روایت و احساسات - دو عنصر اساسی ادبیات و ذهن انسان - وجود دارد (۴). روایت طبیعتاً عاطفی است و عاطفه طبیعتاً روایی است (Mind 234).

با در نظر گرفتن چارچوب نظری تحقیق، نظریه روایت عاطفه و احساس هوگان، از جمله "هماندسازی و تعدیل"^۴ در خوانش رمان اردریک به کار گرفته می‌شود، با این استدلال که زمانی که سوژه شرایط خاصی را تصور می‌کند و بدون هیچ محدودیت

1. *Affective Narratology: The Emotional Structure of Stories* (2011)

2. affective narratology

3. *The Mind and Its Stories: Narrative Universals and Human Emotion* (2003)

4. Simulation and modulation

ذهنی، با پردازش خیالی، پیامدهای آتی را مجسم می‌سازد، همانندسازی اتفاق می‌افتد. سوژه در استنباط و تحلیل وقایع و اندیشیدن در پیامدها آزاد است (Literature 43). هوگان در کتاب ادبیات و عاطفه^۱ با این نظر کیت اوتلی^۲ که داستان نوعی همانندسازی است، موافق است و اضافه می‌کند که نویسنده با "همانندسازی هدایت‌شده" می‌کوشد ذهنیت هدف خود را در ذهن خواننده همانندسازی کند، و خواننده نیز آزاد است تا با احساسات مختلف برانگیخته از متن همانندسازی کند (۴۴). تمرکز هوگان بر اهداف اصلی عاطفه و احساس است که او آن‌ها را "اقدام"^۳ می‌نامد. او بر این باور است که "آمادگی اقدام" و "نتایج اقدام" دو بخش از "اقدام" هستند.^۴ "آمادگی اقدام" فرآیندی است برای آماده کردن سوژه برای کنش‌ها و واکنش‌ها در موقعیت‌های مختلف، خواه برای حفظ شرایط مثبت یا تلاش برای تغییر یا اصلاح شرایط منفی. هنگامی که سوژه آمادگی پیدا می‌کند و تصمیم می‌گیرد، "نتایج اقدام" شکل می‌گیرد، زیرا سوژه اقدامات را آغاز می‌کند و آنچه در ذهن دارد را عملی می‌سازد. نتیجه اقدام، فرآیند عملی آمادگی اقدام است که در آن سوژه دغدغه‌مند "رفتار" خود می‌شود (۴۵).

در ادامه مروری خواهیم داشت بر نقدهای منتخب اخیر درباره‌ی خانه‌گرد اثر لوئیز اردریک. بخش بعد شامل رویکرد انتقادی برای کشف و تحلیل رمان است که به مفاهیم انتقادی اصلی در مطالعات هوگان در مورد احساس و روایت عاطفه می‌پردازد. سپس به خوانش دقیق و بحث و تحلیل رمان با کاربست مفاهیم نظری هوگان از جمله اصطلاحات همانندسازی، تعدیل احساسات و منطقی‌سازی خواهیم پرداخت. هدف اصلی پاسخ به این پرسش است که چگونه کاربرد عناصر عاطفه و احساسات توسط اردریک در راستای کارکرد نهایی متن، یعنی ارزیابی و بازسازی مفاهیم هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی از سوی مخاطب است و روایت به مثابه "ساختاری مؤثر" (Affective 27) برای دستیابی به شناخت بکار می‌رود. سرانجام، در بخش پایانی مقاله، یافته‌ها و نتایج پژوهش را ارائه خواهیم کرد.

۲- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های بسیاری در مورد لوئیز اردریک منتشر شده‌اند که در ادامه به چند نمونه

1. *Literature and Emotion* (2018)
2. Keith Oatley
3. action
4. action readiness; action outcomes

اشاره می‌شود. لوئیز اردریک: مجموعه نقد (۱۹۹۹) اثر انتقادی ال. لورنا استوکی^۱ است که با شرح کامل زندگینامه اردریک آغاز می‌شود و تأثیرات اولیه زندگی او را بررسی می‌کند. جایگاه او در سنت ادبی به عنوان رمان‌نویس، شاعر و داستان‌نویس با مهارت او در تطبیق رویکردهای سنتی و تجربی برای ساخت داستان‌های تقویت می‌شود. رمان‌های اصلی اردریک در فصل‌های سوم تا هشتم این کتاب نقد و تحلیل می‌شوند. هر رمان از نظر سبک ادبی، طرح داستان، شخصیت، مضمون و روایت بررسی می‌شود. رویکردهای نقادانه دیگری نیز درباره هر یک از شش اثر اصلی او به کار گرفته شده‌اند. برای علاقمندانی که در پی درک بهتری از آثار اردریک هستند، این اثر، منبعی غنی برشمرده می‌شود.

آیتور ایبارولا-آرمندریز^۲ در مقاله‌ای با عنوان "بازنگری ژانر در خانه گرد اثر لوئیز اردریک" به مقوله ادغام ژانرهای مختلف در این رمان می‌پردازد و این که سبک روایی در این رمان متفاوت از رمان‌های پیشین اوست. خاستگاه‌های سنتی و مدرن قانون و عدالت را می‌توان در خاطره‌ها و تجربه‌های پراسیب بومیان آمریکا دریافت. علاوه بر اسناد محاکمه و بیانیه دادگاه، ایبارولا-آرمندریز آراء خود را در مورد نیاز زنان بومی به تغییرات اجتماعی و سیاسی در محدوده سرخپوستان نیز به خواننده ارائه می‌دهد. او بر نقش جو "شخصیت-راوی" (۳۲) رمان و انگیزه‌های روان‌شناختی‌اش برای تسکین مادر "آسیب‌دیده" و تلاش برای بازگرداندن "عشق و آرامش به خانه درهم‌شکسته‌اش" تمرکز می‌کند. مقاله ایبارولا-آرمندریز بر نقش اردریک و رمان‌های او در تصویب "قانون خشونت علیه زنان" که در سال ۲۰۰۲ به دست رئیس‌جمهور اواما امضا شد می‌پردازد (۱۳).

لوئیز اردریک اثر دیوید استراپ (۲۰۱۰)^۴ دارای نگرشی تقریباً جدید و متفاوت نسبت به آثار چهارگانه اردریک و دیگر آثار اوست. این کتاب در مورد تألیف و مرجعیت ادبیات بومی آمریکاست که اردریک نماینده آن است. علاوه بر این، اردریک هم در مقام نویسنده زن و هم به عنوان بومی آمریکایی مورد مطالعه واقع شده است. سرانجام، از دیگر موضوعات اصلی مورد بحث در این پژوهش ادبی می‌توان به اهمیت رابطه فضا و مکان

1. L. Lorena Stookey; *Louise Erdrich: A Critical Companion* (1999)

2. Aitor Ibarrola-Armenariz

3. "Violence Against Women Act" (VAWA)

4. David Stirrup; *Louise Erdrich* (2010)

در زندگی بومیان آمریکا و پرورش چنین رابطه‌ای در ارزش‌های ایشان از نظر فرهنگ جغرافیایی، علاوه بر موفقیت اردریک در به تصویر کشیدن فرهنگ خود به شیوه‌های آموزشی، پرداخت.

جولی تارپ در "جهاد اردریک: خشونت جنسی در خانه‌گرد،" می‌گوید که اردریک آغازگر یک "جهاد" است، یعنی جنبشی علیه تجاوز جنسی در محدوده سرخپوستان. چنین پویایی بازتاب "پیشینه تاریخی قانون و نظم قبیله‌ای" است که به حملات و خشونت جنسیتی در این منطقه منجر شده است. اردریک می‌کوشد تا صدای زنان در محدوده سرخپوستان باشد. "قانون فدرال، قانون خشونت علیه زنان" به تبع واکنش‌های ضمنی به این پویا و مبارزه او بود. اردریک خوانندگان را شاهدانی بر تاریخ جامعه، بی‌عدالتی‌ها و پیچیدگی‌های قانونی و تأثیرات همیشگی خشونت در جامعه بر می‌شمارد (۲۵). روایت جو تجلی کشاندن "آسیب به روشنایی روز" است (۳۸).

طیفی از خشونت علیه زنان در مقاله اسکاندور و بلادو با عنوان "داستان‌های درد، داستان‌های التیام: مقابله با خشونت علیه زنان در خانه‌گرد اثر لوئیز اردریک" تبیین شده است. اسکاندور این گونه استدلال می‌کند که اوج بازنمایی خشونت و بی‌عدالتی نسبت به زنان در جامعه بومی آمریکا در این اثر اردریک با روایت جو از زندگی چهار زن، که دو نفر از آن‌ها سرخپوست و یک نفر غیرسرخپوست هستند، آشکارا نشان داده شده است. واقعیت شگفت‌انگیز و دردناک رمان این است که زنان مقاومت می‌کنند و ادامه می‌دهند، درد و رنج را تاب می‌آورند، و قانون هم هیچ حمایتی از آن‌ها نمی‌کند. اسکاندور اذعان می‌کند که سبک داستان‌گویی اردریک نه تنها ابزاری برای نمایش انواع مختلف خشونت علیه زنان، چه سرخپوست، چه غیرسرخپوست است، بلکه برای نشان دادن روشی است که آن‌ها برای مقاومت و التیام یافتن و درمان خود به کار می‌گیرند. برای اردریک، روایت کردن داستان‌های این زنان دغدغه‌ای است برای "دستیابی به معنا، بهبودی و تحرک" (۳). صداهای متفاوت زنان ستمدیده، سدی به نام "شمولیت" را می‌شکنند و باعث ایجاد "اتحاد و انسجام" در جامعه برای شنیدن صدای زنان و یاری رساندن به آنان می‌شود (۱۵). آنچه در زیر آمده تلاشی برای پر کردن شکاف مطالعاتی موجود در زمینه عواطف و احساسات سوژه‌ها، دغدغه‌های عاطفی آن‌ها و چگونگی برانگیخته شدن احساسات و

1. Julie Tharp; "Erdrich's Crusade: Sexual Violence in The Round House"

2. Skenandore and Bladow; "Stories of Pain, Stories of Healing: Confronting the Violences against Women in Louise Erdrich's The Round House"

در پی آن، همانندسازی، تعدیل و منطقی‌سازی احساسات و رهنمون ساختن سوژه‌ها برای اقدام است. بنابراین، مبانی نظری را در بخش بعد بررسی می‌کنیم.

۳- چارچوب نظری و روش تحقیق

تأکید "مطالعات تأثیر" هوگان بر روایت عاطفه و احساس است. "تأثیر" واژه تازه‌ای نیست، همان طور که هوگان در کتابی با عنوان ذهن و داستان‌های آن: جهانی‌های روایی و احساسات انسانی (۲۰۰۳) به بحث و بررسی تاریخ ادبی و پیشینه تأثیر، عاطفه و احساس می‌پردازد. او همچنین این گونه استدلال می‌کند که احساسات بخشی از تکامل بیولوژیکی است (۲۵۲) و این که احساسات در روایت گنجانده شده است (۲۴۰)؛ بنابراین، درک احساسات به معنای درک روایت است.

هوگان در کتاب ادبیات و عاطفه (۲۰۱۸) فرایند همانندسازی را تبیین کرده و آن را از ادبیات جدایی‌ناپذیر می‌داند. شبیه‌سازی برای ژرف‌نگری در اثر ادبی بسیار مهم است. نویسنده در حین انتقال مفاهیم و اطلاعات به خوانندگان در طول روایت، فرایند شبیه‌سازی را در آنان ایجاد می‌کند. بنابراین، خواننده به کمک اثر ادبی با "شبیه‌سازی هدایت‌شده" سر و کار دارد. هوگان با کیت اوتلی در این مورد هم‌اندیشه است که نویسنده دستورها و رهنمودهایی را برای تصور هر آنچه بازنمایی می‌شود ارائه می‌کند. خواننده نه تنها این رهنمودها را دریافت و درک می‌کند، بلکه می‌کوشد تا اطلاعات نهفته را استخراج و شکاف‌ها را پر کند تا بر جزئیات اثر چیرگی یابد (۴۴).

علاوه بر این، هوگان نتایج اقدام و شرایط برانگیختن را مطرح می‌کند، با این استدلال که هر دو از شرط‌های لازم برای همانندسازی‌اند، زیرا هر دو هم به علل عاطفی دامن می‌زنند و هم پیامدهای احساسی و عاطفی را به بار می‌آورند. پیش‌زمینه‌های فرهنگی و تاریخی و نیز ایدئولوژی، تفاوت‌هایی در نتایج اقدام ایجاد می‌کنند و شرایط پدید آمدن همانندسازی را فراهم می‌آورند. بنابراین، شناخت محدودیت‌های ایدئولوژیکی به همراه تاریخ و فرهنگ، درک همانندسازی عاطفی را تسهیل می‌کند. همانندسازی عبارت است از تخیلی که در ذهن شخصیت پردازش و بسط داده و یا مهار می‌شود. بنابراین، همانندسازی پیش‌زمینه اصول عاطفه و احساساتی است که اهداف وقوع رویدادها را سازماندهی کند، به آن‌ها ساختار ببخشد و به وقوع رویدادها بیانجامد (Literature 70).

واکنش عاطفی خواننده با همانندسازی‌های مؤلف قابل توجیه هستند. همانندسازی مؤلف، در واقع، برخاسته از تجارب عاطفی شخص نویسنده است. با استناد به عواطف به اشتراک‌گذاشته شده، جهانی‌شدن اثر قابل توجیه می‌شود. در صورتیکه اثری به لحاظ موفقیت در ایجاد همانندسازی عاطفه جایگاهی در میان خوانندگان کسب‌کند، تجربه مؤثر عاطفی مؤلف با تجربه مؤثر عاطفی خواننده به‌حالت توازن درمی‌آید و انعکاس و طنین بیشتری در جمع خوانندگان دارد. نویسنده اثر با بیان تجارب مؤثر عاطفی خود، خوانندگان را در توصیف‌ها و شرح تجارب خود سهیم می‌سازد و این‌گونه تجارب عمومیت می‌یابد. به‌طور مثال، صرفاً با عبارت "من ناراحتم" چنین تعمیمی در تجربه مؤثر عاطفی رخ نمی‌دهد. اگرچه که تجارب خاص افراد متفاوت از یکدیگرند، ویژگی‌های مشترک تجارب خاص افراد، واکنش‌های عاطفی مشترکی را برمی‌انگیزانند که در تجارب مرتبط به مرور خاطرات عاطفی افراد منجر می‌شود (Literature 85-86).

تأثیر عاطفی روایت، بدون آنکه فرد از محتوای بازنمودی همراه با آن مطلع باشد، در آگاهی فرد نفوذ می‌کند و به جنبه ادراکی و معرفت‌شناختی منجر می‌شود. وقتی مجموعه‌ای از مثال‌های مرتبط با عاطفه و بازنمایی آن (مثلاً، نمونه غم‌انگیز عشق در جدایی) در الگوی روایی متن تنیده شود، در حافظه نقش می‌بندد. تأثیرات ضمنی تجربیات گذشته در شکل‌گیری احساسات شخصیت و نیز نوع واکنش‌ها نسبت به موقعیت‌های جدید مؤثرند. نویسنده از طریق عبارات دقیق و توصیف مفصل وقایع، خاطراتی را می‌سازد که به لحاظ معنایی و عاطفی مرتبطند و احساسات و عواطف مورد نظر را برمی‌انگیزانند گرچه که نویسنده به طور ناخودآگاه به این مهم بپردازد. از سوی دیگر، واکنش عاطفی و برانگیختگی در شخصیتها یکسان نیست. مثلاً، وقتی فردی خودش در معرض خطر باشد و بترسد، نوع ترس او با زمانی که فرد دیگری در خطر باشد و فرد اول به خاطر او بترسد، متفاوت است. در این مثال، تجربه پیشین فرد اول بر روی چگونگی برانگیخته شدن احساسش و واکنش عاطفی او مؤثر است. منبع احساسات فرد تجربیات عاطفی اوست که برانگیختگی عاطفی و نوع واکنش عاطفی او را شکل می‌دهد (Hogan, Mind(62-71).

هوگان با اشاره به نظریه اد تن^۱، روانشناس و نظریه‌پرداز فیلم و سینما، مبنی بر تمایز بین عاطفه تخیلی و عاطفه مصنوعی، شرح می‌دهد که خواننده، در

1. Ed Ten

طی خواندن اثری نوشتاری، واکنش عاطفی نشان می‌دهد. در واقع، عواطف تخیلی او برانگیخته می‌شوند. مثلاً، در هنگام خواندن رومئو و ژولیت و خواندن ستایش پرطمطراق رومئو از ژولیت واکنش عاطفی خواننده، تخیلی است در صورتی که اگر خواننده بر روی واژگان، وزن و ریتم جملات و نکات ظریف موزون متن تمرکز کند، واکنش عاطفی مصنوعی خواهد داشت. از منظر مطالعه تأثیر و شناخت عاطفه، در خوانش اثر صرفاً واکنش عاطفی مصنوعی برانگیخته نمی‌شود. در تجارب روزمره هم، چه برای شخصیت‌ها و چه برای خواننده، عاطفه مصنوعی برانگیخته نمی‌شود. مثلاً، وقتی از استعاره یا تشبیهی در بخشی از فیلم یا اثر ادبی استفاده می‌شود، برانگیختگی عاطفی خواننده بر اساس تجربیات زندگی فردی و روزمره اوست. با اینحال، روایت احساس و تأثیر هنگامی بازنمایی می‌شود که در لایه‌های زیرین معنای رفتار شخصیت و اهداف نهفته او آشکار می‌شود. مثلاً، فردی کتاب یا مقاله جدیدی چاپ کرده و به فردی پیشکش می‌کند. آن فرد در ابتدا خوشحال می‌شود ولی پس از آنکه متوجه می‌شود خودش از اعضای شورای ارزیابی آثار نویسنده مذکور است پیشکش کتاب را نوعی تملق و ابزاری برای گرفتن رأی مثبت شورا تلقی می‌کند. بنابراین، ارزیابی رفتارهای شخصیت همواره در راستای عواطف ظاهری او نیست. از دیدگاه مطالعه تأثیر، خواننده حرفه‌ای در پی عواطف برانگیخته شده تک تک خوانندگان نیست بلکه درصدد برمی‌آید تا بفهمد متن می‌خواهد چه احساس و عاطفه‌ای را در خواننده برانگیزاند. مطالعه تأثیر بیان می‌کند که نویسنده با روایت احساسات و عاطفه چگونه رفتارها و واکنش‌های شخصیت‌ها را آشکار می‌سازد. اینکه «چه کسی چه کاری با چه کسی انجام می‌دهد» بخشی از روایت احساس و عاطفه است که با مطالعه تأثیر می‌توان به هدف شخصیت و در پی آن هدف نویسنده از به اشتراک گذاشتن چنین تجارب عاطفی پی برد (Literature 99-98).

گاهی تعدیل در پی همانندسازی روی می‌دهد. باور هوگان بر این است که تعدیل در نتیجه "تشدید انواع احساسات، ماندگار شدن احساسات یا کاهش شدت آنها" رخ می‌دهد (Literature 70). کاربرد درست "حالات چهره" و همچنین ساماندهی احساسات برای فردی میسر است که آگاهانه بتواند موقعیتی را که در آن از نظر عاطفی آسیب دیده است ترک کند. به عنوان مثال، سوژه می‌تواند در موقعیتی

1. facial expressions

پرتنش بماند و با دیگران درگیر شود یا موقعیت را ترک و آرامش خویش را حفظ کند. سوژه می‌تواند بحث را ادامه دهد و آن را به یک جدال بزرگ بکشد یا "توجه" خود را به موضوع دیگری سوق دهد. بنابراین، آگاهی از احساسات برانگیخته شده در زمان و مکان خاص، منجر به آگاهی فرد و "منطقی شدن" احساس او می‌شود. هوگان به "منطقی‌سازی" به عنوان شکل مهمی از تعدیل اشاره می‌کند. هنگامی که فرد از نظر عاطفی در موقعیتی درگیر می‌شود، منطقی بودن او در مدیریت تعارض عاطفی مهم است. اصول اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیکی هر فرد، در تشدید یا کاهش احساسات و عاطفه او مؤثرند. تعدیل نقش مهمی در ساخت‌های اجتماعی عاطفه دارد، زیرا شیوه "تجربه، بیان و بروز احساسات" را در فرد شکل می‌دهد (۷۱).

زندگی عاطفی با مقیاس‌های زمانی مختلف، انتظارات و اهداف مرتبط است. رخداد وقایع و حوادث گویای این همبستگی است. در حالی که حوادث، تجربیات عاطفی را به نقاط ماندگار محدود می‌کنند، داستان از آن‌ها تجربیاتی می‌سازد که سال‌ها و دهه‌ها ماندگار خواهند شد. بنابراین، رویدادها و آرزوها با زندگی و داستان در تعامل هستند (Hogan, Affective 42). میزان پذیرش یک عاطفه در جامعه، میزان ابراز هیجان را در آن بافت اجتماعی تعیین می‌کند. هنجارهای اجتماعی در تجارب عاطفی، بازنمایی و تجلی عاطفه و احساس بازتاب می‌یابند (Hogan, Literature 71).

۴- بحث و بررسی: روایت احساس و عاطفه در خانه گرد

در ادامه، برای بررسی خانه گرد از منظر ادراک هیجان و احساس، شخصیت‌ها، رابطه آن‌ها و ارزش کنش و واکنش‌ها و تصمیمات آن‌ها بررسی خواهد شد تا دستیابی به روایت‌های عاطفه و احساس در این رمان تسهیل شود. برای این مهم، این رمان با بکارگیری اصول نظری هوگان، از جمله همانندسازی و تعدیل، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، با این استدلال که رفتارها، خاطرات، واکنش‌ها و قضاوت‌های شخصیت‌ها، بخش مهمی از شخصیت‌پردازی آن‌ها به شمار می‌رود و شبکه عاطفی و احساسی آن‌ها آشکار می‌شود. از نظر زمانی و مکانی، داستان این رمان به رویدادهای تابستان ۱۹۸۸ در منطقه داکوتای شمالی آمریکا باز می‌گردد و تا پایان رمان، خواننده به انبوهی از اطلاعات درباره فرهنگ و تاریخ نسل سرخپوستان حاضر در منطقه دست می‌یابد.

1. Rationalization

۴-۱- شرایط برانگیختن و نتایج اقدام

هوگان اذعان می‌کند که هدف از نتایج اقدام، حفظ احساس شادی و موقعیت رضایت‌بخش برای تغییر ناخوشایند به خوشایند است. حفظ یا ایجاد هر گونه تغییر برای بهتر شدن به "تقرب" یا "کناره‌گیری"^۳ بستگی دارد (68 Literature). مثلاً، درخواست تماس یا ارتباط با فردی روی فیس‌بوک، نوعی تقرب به شمار می‌رود که شرایطی خوشایند را برمی‌انگیزد. در مقابل، فردی که در جمعی ناگهان سوار ماشینش شود و دور شود، موقعیت را ترک کرده تا به لحاظ احساسی درگیر نشود. هیچ واکنش عاطفی را نمی‌توان بدون توجه به نتایج اقدام و شرایط برانگیختن ارزیابی کرد. در واقع، این دو منجر به همانندسازی احساسات می‌شوند (۶۹). نمونه بارز تقرب و کناره‌گیری در رمان اردریک، در رفتارها و برانگیختگی عاطفی جو مشهود است. جو، راوی اصلی داستان و پسر سیزده ساله خانواده در زمان وقوع رویدادهای اصلی در تابستان ۱۹۸۸ که همان حمله به جرادین و تجاوز جنسی به مادرش است مسیر بالندگی را به یکباره طی می‌کند. او ناخواسته، با آگاهی از عمق خشونت علیه مادرش و در پی آن آگاهی از نمونه‌های دیگر خشونت نسبت به زنان آجیبوا در منطقه سرخپوستان به بلوغ فکری و عاطفی تقرب می‌یابد، از احساسات دوران کودکی کناره‌گیری می‌کند و ظرف سه ماه تابستان ۱۹۸۸، برای دستیابی به هویت تجاوزگر مادرش و یافتن ارتباط آن مرد با دیگر خشونت‌های روی داده، به بلوغ عاطفی و بزرگسالی تقرب می‌یابد. اهمیت عنوان "۱۹۸۸" برای فصل اول بازتابنده اهمیت شرایط برانگیخته شدن عاطفی جو در آن سال است که منجر به نتایج اقدام از سوی جو، به عنوان نماینده بومیان می‌شود.

خانه گرد یازده فصل دارد. فصل اول، "۱۹۸۸" از نظر احساسی برانگیزاننده است و شرایط را برای انتقام فراهم می‌کند، همان گونه که نخستین جمله رمان گویای "خانه ویران و معصومیت از دست‌رفته" (4 Skenandore and Bladow) است: "درخت‌های کوچک از بیخ و بن به خانه پدر و مادرم حمله کرده بودند" (7 RH). جو سیزده ساله علاقه زیادی به دانستن حقوق دارد. در حالی که در بخش آغازین رمان، جو و پدرش چشم به راه جرادین هستند، او پنهانی کتاب راهنمای کوهن، یکی از کتاب‌های حقوق پدرش را می‌خواند (۹). براساس مطالعه تأثیر هوگان، علاقه جو به حقوق مسیر تقرب او از جوانی به بلوغ عاطفی و احساسی،

1. "approach"
2. "withdrawal"

برانگیختگی عاطفی او و منطقی‌سازی تصمیمش برای انتقام از لیندن لارک^۱ را هموار می‌سازد. راوی رمان، یعنی جو، مردی بالغ است که در زمان روایت داستان، به شغل قضاوت مشغول است. خشم، سردرگمی و تشنگی برای انتقام، احساساتی هستند که در فصل اول رمان برانگیخته می‌شوند. جرالدين هم، پس از تماس تلفنی در مورد پرونده دختر مایلا و تصمیمش برای کمک به او (۸)، جایگاه نسبتاً امن خود را در خانواده و جامعه‌اش ترک می‌کند. جرالدين کارشناسی کاردان در دفتر ثبت‌نام قبایل است. او به لحاظ اجتماعی دارای جایگاهی است چرا که مسئول و محرم ثبت اطلاعات آجیبوها در دفتر قبیله است. از سوی دیگر، همسرش بازیل به وکالت در منطقه سرخپوستان مشغول است. پس از تجربه حمله، تهدید و تجاوز و در پی آن پی‌بردن به ناتوانی بازیل در ردگیری و دستگیری لیندن از جایگاه ظاهراً امن کارشناس دفتر ثبت نام قبیله آجیبوا و همسر وکیل بودن کناره‌گیری می‌کند و با برانگیختگی عاطفی ایجادشده در او به شخصیت زنی درمانده و افسرده تقرب می‌یابد که به خودکشی هم فکر می‌کند.

بازیل پدر و جو پسر غافل از تماس تلفنی با جرالدين و علت نبودن جرالدين در خانه، با دیرکردن او نگران می‌شوند. آن‌ها خودروی کلمنس، خاله جو، را برای جست‌وجو به امانت می‌گیرند و سرانجام جرالدين را در حالی پیدا می‌کنند که با رانندگی عجیب و غیرعادی از مقابل آن‌ها می‌گذرد و بدون آنکه متوجه آن‌ها بشود، به سمت خانه می‌رود؛ با دیدن این صحنه، پدر و پسر شروع به شوخی و خندیدن می‌کنند. آن‌ها می‌پندارند که جرالدين در راه بازگشت به خواربارفروشی رفته، و احتمالاً بنزین خودروی او تمام شده و او از این بابت شوکه است (۱۱).

بازیل و جو جرالدين را بی‌حرکت و مبهوت می‌یابند که به دیوار گاراژ خیره شده، در حالی که لباس‌هایش غرق در خون و استفراغ است و بوی گاز از ماشین به مشام می‌رسد. در این مرحله، با برانگیختگی عاطفی و احساس شرایط "نامنعطف، سخت، و غیرعادی" (۱۲)، ترک دوره نوجوانی جو و تقرب او به بلوغ عاطفی و حرکت در مسیر رشد به سوی بزرگسالی کلید می‌خورد. تعقیب متجاوز شرایط برانگیختن برای جو و بدل شدن او به انسانی بالغ در طول تابستان ۱۹۸۸ را فراهم می‌سازد. زیرا در طی این مسیر، جو نه تنها با تجاوز به عنوان نوعی خشونت نسبت به زنان جامعه آشنا می‌شود

1. Linden Lark

بلکه پی می‌برد که انواع دیگری از خشونت علیه زنان در جامعه جریان دارد: تجاوز و قتل مایلا، توهین‌های کلامی و رفتاری به سونیا و جریحه‌دار کردن احساسات و عواطف و تحقیر لیندا. منشأ بیشتر این خشونت‌ها به لیندن لارک، نماینده غیرسرخپوستانی که نتایج اقدام آگاهانه‌ای برای تخریب قوم آجیبوا دارند، بر می‌گردد. به این ترتیب، نتایج اقدام جو این گونه است: او پس از ناامید شدن از اجرای قانون و دستگیری و محاکمه متجاوز، به کمک دوستانش سرخ‌ها را می‌یابد، متجاوز را پیدا می‌کند، مکان دقیق وقوع حمله و تجاوز را کشف می‌نماید و سرانجام از لیندن لارک انتقام می‌گیرد. در واقع، جو و "شرایط برانگیختگی" عاطفی جو، "کناره‌گیری" از نوجوانی و "تقرب" به بزرگسالی و "نتایج اقدام" او و پیامدهای آن‌ها بخشی از شبیه‌سازی عاطفی هستند که از واکنشهای عاطفی و احساسی جدایی‌ناپذیر هستند (Literature 69-68).

۲-۴- اصول تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیکی

هوگان در کتاب ادبیات و عاطفه (۲۰۱۸) خود به تفکیک ویژگی‌های آثار ضدنژادپرستانه می‌پردازد: دسته‌ای از این آثار، همدلی^۱ با شخصیت اقلیت نژادی را به مثابه هنجار عاطفی باز می‌نمایند؛ در حالی که، اثری که غیرصادقانه ضدنژادپرستی را برتابد، اثری است که نویسنده در واقع با شخصیت اقلیت نژادی همدلی ندارد. اگرچه در چنین آثاری برای ایجاد چنین همدلی طراحی‌هایی انجام شود، به احتمال قوی دلایل سیاسی یا بازاریابی، هدف نهایی نویسنده است (۸۴). از سوی دیگر، به طور کلی، بررسی همدلی عاطفی هدف مطالعه تأثیر نیست چراکه اندازه‌گیری چنین همدلی دشوار است. در عوض، نویسندگانی که دغدغه بررسی همدلی عاطفی دارند بر روی "همدلی شناختی"^۲ تمرکز می‌کنند (۸۴). منظور هوگان از همدلی شناختی، درک وضعیت عاطفی فرد دیگر است. هدف هوگان سنجش میزان دقیق بودن ارزیابی همدلی شناختی نیست زیرا "آزمون صحت همدلی عاطفی دشوار است" (۱۲۲). احساسات مشترک فرد با سوژه، در باورهای همدلانه شناختی او در مورد احساسات سوژه منعکس می‌شود (۱۲۲). البته، هوگان در نظریه مطالعه تأثیر خود بر همدلی عاطفی تأکید می‌کند زیرا همدلی شناختی در تقابل با همدلی عاطفی قرار می‌گیرد، که موضوع درک دیگران نیست، بلکه "احساس آنچه دیگری احساس می‌کند" است (۱۱۹).

1. empathy

2. Cognitive empathy

اردریک در خانه‌گرد بر انواع خشونت علیه زنان سرخپوست و غیرسرخپوست در داکوتای شمالی، به ویژه تجاوز جنسی به آنان تمرکز دارد، رویدادی که به دغدغه‌روزانه بومیان بدل شده است، زیرا چنین مواردی از سوی دولت قانونی آجیبوا مورد پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد. اردریک با به اشتراک‌گذاشتن تجربه عاطفی جرالدين از یک سو و تجارب عاطفی جو، پدرش و دوستانش که در انتقام از لیندن لارک او را تنها رها نمی‌کنند، سعی بر ایجاد همدلی عاطفی با زنان و مردان آجیبوا در منطقه سرخپوستان دارد. هوگان مطرح می‌کند که برای همدلی عاطفی با سوژه، باید شبیه‌سازی احساس برای خواننده که هدف مطالعه تأثیر است روی دهد (۱۱۹).

اردریک علاوه بر این رمان، در مقاله‌ای در نیویورک تایمز با عنوان "تجاوز در محدوده سرخپوستان" به تجاوز جنسی و مشکلات قضایی اشاره می‌کند: "از هر سه زن بومی یک نفر در طول زندگی خود مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد، در حالی که منابع دیگر گزارش می‌دهند که بسیاری از زنان بومی به اندازه‌ای تضعیف روحیه شده‌اند که تجاوز را گزارش نمی‌کنند." او در ادامه می‌گوید: "بیش از ۸۰ درصد از جرایم جنسی در محدوده سرخپوستان از سوی مردان غیربومی انجام می‌شود که از تعقیب قضایی دادگاه‌های قبیله‌ای مصون هستند." بر اساس گزارش الکساندرا پیرس،^۱ "تجاوز به عنف در مناطق ساحلی در طول فصل شکار افزایش می‌یابد. یک غیربومی می‌تواند از میان شهرها رانندگی کند و ظرف پنج ساعت به خانه برسد. پلیس قبیله نمی‌تواند او را دستگیر کند" (qtd. in Erdrich, "Rape"). بر این اساس، خانه‌گرد برای روشن کردن این واقعیت نوشته شده است که لیندن لارک، متجاوز به جرالدين، که یک غیربومی است، به یقین می‌داند که از سوی قانون گرفتار نخواهد شد، و همان گونه که او ذکر می‌کند، "من زیر و بم قانون را از بر هستم. خنده‌دار است!" (۱۵۵). بی‌عدالتی بر سراسر جامعه بومیان آمریکا سایه افکنده است. چنین رخدادهایی برای جو الهام‌بخش است و او را می‌دارد تا از لیندن انتقام بگیرد، بدون این که چشم‌امیدی به یاری قانون داشته باشد.

خوانش عاطفی رمان اردریک بنا نیست صرفاً به ایجاد همدلی عاطفی با شخصیت‌ها منجر شود. همان‌طور که هوگان در کتاب ادبیات و عاطفه می‌گوید "ادبیات همدلی را تقویت می‌کند" (۱۲۸). با این حال، تقویت همدلی همراه با ایجاد شرایط برانگیختگی عاطفی که به شناخت و درک هویت و جایگاه اجتماعی، انسانی و درپی آن ایجاد تغییرات اجتماعی،

1. Alexandra Pierce

تاریخی و سیاسی شود، رسالت ادبیات و مطالعه تأثیر است.

گفتیم که عنوان رمان یک استعاره بسیار مهم است؛ خانه گرد عبارتی است که به ایجاد شرایط برانگیختگی دامن می‌زند زیرا ریشه در تاریخ، فرهنگ و ایدئولوژی قوم آجیبوا دارد. خانه گرد مکانی مقدس برای برگزاری مراسم و آیین‌های مذهبی و قومیتی بوده و بومیان در آنجا گرد هم می‌آمدند و گاهی کتاب مقدس مسیحیان را نیز می‌خواندند. خانه گرد که بر باور تقدیس بنا شده بود به جایی برای حمله و تجاوز به جرالدين و تجاوز و آزار مایلا و سپس کشتن او بدل می‌شود. سارا دیر در کتاب خود با عنوان آغاز و پایان تجاوز: مقابله با خشونت جنسی در میان بومیان آمریکا^۱ بر این واقعیت تأکید می‌کند که "تجاوز حمله به جامعه است" (۱۰۹) و همچنین "تجاوز به عنف عمیقاً در سیاست‌های استعماری و نسل‌کشی جای دارد" (۱۱۱). تجاوز و خشونت علیه زنان هدف کسانی است که سعی در "ویران کردن یک ملت" دارند، زیرا زنان به دلیل قدرتی که در روابط جنسی دارند، توانایی "تأثیرگذاری بر تولید مثل و هویت" را نیز دارند (۱۱۲). بنابراین، خشونت علیه زنان، نتایج اقدام کسانی است که احساس تنفرشان نسبت به یک ملت و قوم و آرمان‌شان مبنی بر ویران کردن آن قوم، شرایط برانگیختگی را برای آنان فراهم می‌کند. ابراز تنفر نسبت به قوم آجیبوا و سرخپوستان، شرایط برانگیختن خشم لیندن و نتیجه اقدام او برای حمله‌ور شدن به جرالدين، مایلا و لیندا و آزار دادن ایشان را فراهم می‌کند. نکته مهم دیگر درباره عنوان رمان آن است که جو با دیدن رؤیاهایی در طول روز و، به دنبال آن، خوابیدن در اتاق پدر بزرگش و شنیدن داستان‌های نیاکانش از زبان پدر بزرگ در میانه خواب‌های شبانه پدر بزرگ به رسالت خویش پی می‌برد. نتایج اقدام او و از بین بردن لیندن لارک نه تنها انتقام تجاوز به مادرش است بلکه انتقام خشونت علیه تمام زنان و مردان قبیله اوست که در نتیجه بی‌قانونی دچار برانگیختگی شرایط و احساسات شده‌اند اما دستشان از اجرای قانون کوتاه است.

۳-۴- همانندسازی، تعدیل و منطقی‌سازی

برای مطالعه خانه گرد با شیوه همانندسازی، تعدیل و منطقی‌سازی، تکرار روایت، بخش‌های مختلف رمان، شخصیت‌ها و روابط آن‌ها با یکدیگر و احساسات و عواطف موجود در کنش‌ها، اندیشه‌ها و تصمیم‌های آنان به منظور بازسازی قلمرو احساسی مورد بررسی

1. Sara Deer; *The Beginning and End of Rape: Confronting Sexual Violence in Native America*

قرار می‌گیرد. در این راستا، اصول انتقادی هوگان در مورد مسائل عاطفی ارزیابی شده است. بنابراین، در خوانش این رمان، نظریهٔ روایت عاطفه و احساس به کار گرفته خواهد شد تا دریابیم که شخصیت‌های اردریک چگونه خود واقعی‌شان را از راه همانندسازی، تعدیل و منطقی‌سازی احساس و عاطفه بازیابی می‌کنند.

تصمیم جو برای انتقام و تغییر در جامعه واکنش عاطفی جو به سازوکار قضایی دولت حاکم است. برای ایجاد تعدیل در شرایط ناعادالتی و خشونت، جو پدر خود را که مرد قانون است ناتوان می‌بیند. دوستان جو با همانندسازی با او و ایجاد تعدیل و منطقی‌سازی برانگیختگی خشم و نفرت نسبت به لیندن لارک که نماینده دولت و قانون است، او را در گرفتن انتقام همراهی می‌کنند. از منظر هوگان، در دنیای داستان و ادبیات، برانگیختگی احساسات در صحنه‌ها یا رویدادها نیست، بلکه در شخصیت‌هاست چون احساس می‌کنند (Literature 139). در پایان رمان، جو که مردی بالغ، وکیل و متأهل است راوی سرگذشت زندگی خود است و با گذشت سالها از قتل لیندن گویی هنوز کاملاً موفق به تعدیل احساسات خود نشده‌است. گرچه در زمان انتقام گرفتن، او همانندسازی قوم خود و حتی پلیس منطقه را تجربه کرد ولی با روایت خود هنوز سعی در تعدیل و منطقی‌سازی احساسات خود دارد. روایت او بازتاب این نظریه هوگان است که "به طور خاص، داستان‌های انتقام با عواطف شرم و خشم هدایت می‌شوند" (۱۵۱). از سویی، جو نسبت به وقوع تجارب عاطفی گذشته خشمگین است و از سویی دیگر، از آنجایی که دست به انتقام زد و بهترین دوست خود کاپی را از دست داد شرم‌منده است چون کاپی آخرین تیر را شلیک کرد. با مرور وقایع گذشته، جو به تعدیل و منطقی‌سازی بیشتر احساسات خشم و تنفر خود می‌پردازد. قوم آجیبوا که در محدودهٔ سرخپوستان هستند انتقام تجاوزگر جرال‌دین را همانندسازی می‌کنند. آن‌ها با تلاش در حمایت از جو، احساسات خود را تعدیل می‌کنند. حتی پلیس محدودهٔ سرخپوستان تمام شواهد و مدارک علیه جو را گردآوری می‌کند تا او به دست قانون نیفتد، گویی نیروهای پلیس نیز انتقام گرفتن از لیندن لارک را همانندسازی کرده‌اند. جو نمایندهٔ ایجاد تعادل در میان تمام رنج‌ها و خشونت‌هایی است که نه تنها زنان، بلکه مردان و کل بومیان آمریکا در محدودهٔ سرخپوستان تحمل می‌کنند.

جو علاوه بر بی‌عدالتی و ستم نسبت به مادرش، از خشونت‌های دیگری که سه زن دیگر در این منطقه متحمل شده‌اند، آگاه می‌شود. در این راستا، همهٔ همانندسازی‌ها

در میان سرخپوستان برای رسیدن به عدالت روی می‌دهند. با این حال، زنان ستم‌دیده در برابر این همانندسازی‌ها مقاومت می‌کنند و همچون گذشته، به زندگی خویش ادامه می‌دهند. اردریک با تعدیل دیدگاه بازیل و جو در مورد قانون، خواننده را هدایت می‌کند تا قوانین و بی‌عدالتی‌ها در زندگی زنان بومی را همانندسازی کند. بنابراین، عقلانی شدن عاطفه با اصلاح قوانین حقوقی قابل توجیه است، درست همان گونه که رمان اردریک و سخنرانی‌های او تأثیرات شگرفی در تغییر "قانون خشونت علیه زنان" به همراه داشته است (Szeghi 421).

۵- نتیجه‌گیری

خانه گرد دومین رمان از سه‌گانه اردریک معروف به سه‌گانه عدالت است که به شرایط برانگیختن، همانندسازی و تعدیل عواطف و منطقی‌سازی احساسات تجربه‌شده توسط آجیبواها برای برقراری عدالت در سرزمین و تاریخ ایشان می‌پردازد. با تکیه بر دیدگاه‌های نظری تأثیر عاطفه در آثار هوگان، می‌توان گفت که در رمان اردریک، رویدادهای برانگیزاننده احساسات زنان را توانمند می‌سازد و به ایشان این امکان را می‌دهد تا خود را از راه همانندسازی و تعدیل و تجربیات احساسی بازتعریف کنند. به علاوه، ادراکات عاطفی به این شخصیت‌ها کمک می‌کند تا راه را برای شناخت فرهنگی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی خود و قومشان هموار و اصلاحاتی را برای نسل آینده ایجاد کنند و سرزمین خود را به مکانی بهتر برای زندگی خود و نسل آتی تبدیل کنند.

اردریک رمان را بدون پایانی خاص و بدون نتیجه‌گیری قطعی به پیش می‌برد، گویی خواننده بر چرخه گردان سوار شده است و روایت به شکل دایره‌وار می‌چرخد تا تأکیدی بر این واقعیت باشد که چنین داستان‌هایی، به گفته کانی جکوبز، "با گفتنشان خاتمه نمی‌یابند، بلکه ادامه می‌یابند، دگرگون می‌شوند و به شیوه‌ای دایره‌وار ادامه می‌یابند" (۱۴). اگر چه تجربه مورد حمله و تجاوز قرار گرفتن به یک تجربه مشترک در میان زنان سرخپوست بدل شده است، زنان بومی بسیار کوشیده‌اند تا با مقاومت کردن و بقا داشتن، شرایطی را که احساس و عاطفه ایشان را به گونه‌ای عذاب‌آوری درگیر کرده است، تعدیل کنند. تعدیل آن‌ها "سفری با بافت و ابعادی است که توسط تاریخ، زبان و آیین‌ها شکل گرفته است" (Deer 40). هنگامی که از اردریک در مورد پایان رمان خانه

گرد در رویدادی^۱ در کالج عمومی^۲ در هیوارد، ویسکانسین^۳ در ۲۸ آوریل ۲۰۱۸ سؤال شد، این جمله در پاسخ اردریک طنین‌انداز بود: "بر آنیم تا ادامه دهیم" (15Skenandore and Bladow). سطرهای پایانی رمان پژواک صدای بومیان آمریکاست که انعکاس یقین قاطع ایشان برای مقاومت و ادامه دادن است، اگر چه "غم و اندوهی وجود دارد که برای همیشه در جامعه کوچک ما باقی خواهد ماند." جو از زبان اردریک نقل می‌کند که آن‌ها "فقط به راه خود ادامه دادند" (RH 302).

اردریک نخست به عنوان یک زن بومی و سپس به در مقام نویسنده سرخپوست برای ترسیم وضعیت زنان در محدوده سرخپوستان نبردی را از سر می‌گذراند. چنین نبردی سبک تعدیل اردریک برای تسکین احساسات دردناکی است که نه تنها در بدن و روح زنان بلکه ردپای آن را در جان و تن همه افراد نسل حاضر می‌توان یافت. داستان اردریک ابزار او برای کسب تعدیل در روح جمعی نسل کنونی و بهبود شرایط زندگی برای نسل آتی است، تعدیلی که احساسات و ارزش‌های هستی‌شناختی و معرفتی را پرورش می‌دهد.

همت نویسندگانی چون اردریک پیش‌زمینه حصول حق از دست‌رفته‌ای است که تلاش برای احقاق آن در ادبیات و سینما ادامه دارد. از جمله، می‌توان به سریال یلواستون^۴ اشاره کرد که یادآور تلاش سرخپوستان برای احقاق حقی است که در آثار اردریک به وضوح نمایان شده است. این مردمان با رویارویی با مشکلات متعدد باز نمی‌ایستند تا زمین و مزرعه خود را از جان داتون^۵ بازپس‌گیرند. سوای از موفق شدن یا نشدن، مهم تلاشی است که برای دیده‌شدن و شنیده‌شدن روی می‌دهد. سکوت نکردن بومیان و کنش و واکنش‌های آنان موجب بازتاب موقعیت سفیدپوستانی نیز می‌شود که دستخوش تصمیمات سیاسی، اجتماعی دولتمردان و رویدادهای تاریخی می‌شوند، زندگی دو ملت سفید و سرخ تحت تأثیر فراز و نشیب‌های بسیاری در طول تاریخ شده است.

1. Wisconsin Reads
2. Lac Courte Oreilles Ojibwa
3. Hayward, Wisconsin
4. Yellowstone
5. John Dutton

Simulation and Modulation: Emotional Narrative in Louise Erdrich's *the Round House*

Ladan Mokhtarzadeh¹, Zahra Jannessari², Negar Sharif³

Abstract

Introduction: *The present study examines Louise Erdrich's novel The Round House in light of Patrick Colm Hogan's affect notions of the narrative concerning the emotional experiences of the subjects. This paper attempts to trace the concepts of affect, emotional narrative, eliciting conditions, simulation, modulation, and rationalization of emotion in Erdrich's novel to explore how emotions are simulated, modulated, and rationalized in the narrative, particularly, in what affects the narrative and the subjects in fiction. The present paper, specifically, demonstrates how Erdrich's mentioned novel acts as an example for the affect study and narrative of emotion that vocalizes the suffering and violence against the women in the Native American population of the Ojibwa, and consequently the whole population, the ones which have not been divulged due to social and ontological factors. Erdrich's novel is an attempt to narrate the painful experiences of women, which of course embraces men and the entire population and history of the Indians.*

Background of Study: *Louise Erdrich's fiction explicitly articulates conceptions that highlight the contemporary Native Americans', specifically Ojibwas', concerns primarily with the themes of history, land, love and*

1. Ph.D. Candidate of English Literature, Department of English Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran Email Address: ladan.mokhtarzadeh@iaui.ac.ir

2. Assistant Professor of the Department of English Language and Literature, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author) Email Address: z.jannessari@fgn.ui.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran .Email Address: negarsharif@yahoo.com

hate, violence, injustice, and survival. They illustrate the impacts of a devastating experience that disturbs the subject's self and identity, a traumatic experience that can remain overwhelmingly present. Her narrators range from the single to the multi-ones, reflecting the past through the present experiences and the effect on the subjects and their emotional concerns and obsessions. To survive, the subjects either surrender their emotions or endeavor to maintain their positions or ignore their emotions and flee their history, land and geography, and real selves. The emotional narrative of events, such as the rape of the mother of the Indian family, along with the parallel elaborations of the violence against three other women in the community, is central in RH. The spirit and emotion of the Ojibwa are blended in her work, seeking the desire to alter the situation for the better.

Methodology: *This study examines the ontological and epistemological paradigms in the life and history of Native Americans that have been silenced or rarely addressed due to social and ontological factors. The study thus investigates the ontological and epistemological paradigms in Native American life and history experienced by Ojibwa survivors. In addition, it argues how emotionality works for minority subjects and how the notion of effect in terms of Hogan's theory is traceable in Erdrich's novel. In *The Round House*, the affected women and survivors are haunted by the emotional memory vocalized by the single adult narrator to reflect the past trauma to bring great changes for the women as well as the whole nation. Erdrich's goal is to gain ontological and epistemological rights for the Native American community. The purpose of the present study is to read the impact of Hogan's emotion and emotion on Erdrich's attempt to obtain ontological and epistemological improvements for Native American society.*

Conclusion: *Erdrich initially as a Native woman and subsequently as an Indian author goes through a battle for the portrayal of the women's condi-*

tion in the reservation. Such battle is Erdrich's style of modulation to relieving the painful emotions elicited not only in the women's spirit and body but the whole generation. Erdrich's fiction is her tool to gain modulation in the present collective and improve the living condition for the next generation, the modulation that fosters ontological and epistemological emotions and values.

Keywords: *Affect Study; Emotional Narrative Theory; Eliciting Conditions; Simulation; Modulation; Rationalization.*

References

- Barnet, Louise, "Louise Erdrich's Trilogy of Justice," *Literature of the Americas*, no. 4, 2018, pp. 240-252, DOI: 10.22455/2541-7894-2018-4-240-252
- Bender, Jacob and Lydia Maunz-Breese, "Louise Erdrich's *The Round House*, the *Wiindigoo*, and *Star Trek: The Next Generation*," *American Indian Quarterly*, vol. 42, no. 2, pp. 141-160, DOI: 10.5250/amerindiquar.42.2.0141
- Caſtor, Laura. "Louise Erdrich's *The Round House*: Restorative Justice in a Coming of Age Thriller." *Nordlit*, no. 40, 2018, pp. 31-49, DOI: 10.7557/13.4273
- Deer, Sarah. *The Beginning and End of Rape: Confronting sexual Violence in Native America*. London: University of Minnesota Press, 2015.
- Erdrich, Louise. *The Round House*. HarperCollins Publishers Ltd., 2012
- Erdrich, Louise. "Rape on the Reservation." *The New York Times*. Feb. 26, 2013.
<https://www.nytimes.com/2013/02/27/opinion/native-americans-and-the-violence-against-women-act.html?smid=pl-share>

- Fletcher, Matthew L.M. "Anishinaabe Law and The Round House." Albany Government Law
- Review, vol. 10, 2017, pp. 88-111.
- Hogan, Patrick Colm. *Affective Narratology: The Emotional Structure of Stories*. Lincoln and London: University of Nebraska Press, 2011.
- Hogan, Patrick Colm. *The Mind and Its Stories: Narrative Universals and Human Emotion*. Cambridge and New York: Cambridge University Press, 2003.
- Hogan, Patrick Colm. *Literature and Emotion*. London and New York: Routledge, 2018.
- Ibarrola-Armendariz, Aitor. "Genre Reconsidered in Louise Erdrich's The Round House."
- *Revista de Estudios Norteamerwanos*, no. 20, 2016, pp. 13-37,
- https://www.researchgate.net/publication/316136746_Genre_reconsidered_in_louise_erdrich's_the_round_house
- Jacobs, Connie A. *The Novels of Louise Erdrich: Stories of Her People*. Peter Lang, 2001.
- Jacobs, Connie A. "'One Story hinging into the Next': The Singular Achievement of Louise Erdrich's Interrelated Novels." *The Native American Renaissance: Literary Imagination and*
- *Achievement*, edited by Alan R. Velie and A. Robert Lee, University of Oklahoma Press, 2013, pp. 144-160.
- Lincoln, Kenneth. "Introduction." *Native American Renaissance*, edited by Lincoln Benneth,
- University of California Press, 1983, pp.1-14.
- Matchie, Thomas. "The Land of the Free, or the Home of the Brave?" *The Journal of American*
- *Culture*, vol. 11, no. 4, 1988, pp. 7-13, DOI: 10.1111/j.1542-734x.1988.1104_7.x
- Sevillano, Laura Roldan. "From Revenge to Justice: Perpetrator Trauma in Louise Erdrich's
- *The Round House*." *Revista de Estudios Norteamerwanos*, no. 20, 2016, pp.

137-158,

- https://www.researchgate.net/publication/349226406_From_Revenge_to_Justice_Perpetrator_Trauma_in_Erdrich's_The_Round_House
- Skenandore, Liandra and Kyle Bladow. "Stories of Pain, Stories of Healing Confronting the
- Violences against Women in Louise Erdrich's The Round House,"
- <https://minds.wisconsin.edu/bitstream/handle/1793/79280/Stories%20of%20Pain%2C%20Stories%20of%20Healing%20Confronting%20the%20Violences%20Against%20Women%20in%20Louise%20Erdrich%E2%80%99s%20The%20Round%20House.pdf?sequence=10&isAllowed=y>
- Stirrup, David. Louise Erdrich. Manchester: Manchester University Press, 2010.
- Stookey, L. Lorena. Louise Erdrich: A Critical Companion. London: Greenwood Press, 1999.
- Stripes, D. James. "The Problem(s) of (Anishinaabe) History in the Fiction of Louise Erdrich:
- Voices and Contexts." *Wicazo Sa Review*, vol. 7, no., 2, 1991, pp. 26-33, <http://www.jstore.org/stable/1409060>
- Szeghi, Tereza M. "Literary Didacticism and Collective Human Rights in US Borderlands: Ana
- Cañillo's *The Guardians* and Louise Erdrich's *The Round House*." *Western American*
- *Literature*, vol. 52, no. 4, 2018, pp. 403-433, DOI: 10.1353/wal.2018.0001
- Tharp, Julie. "Erdrich's Crusade: Sexual Violence in *The Round House*." *Studies in American*
- *Indian Literatures*, vol. 26, no. 3, 2016, pp. 25-40,
- DOI:10.5250/studamerindilite.26.3.0025